

کشاده شود و آنرا چند نشانه هست وقتی که از آن نشانهها در  
 بیاید معلوم شود که سلطان بجای کرده **اول** آنکه هر محبتی که محبت  
 خدای تعالی باشد بجای فراموش کند **دوم** هر طریق که راه محبت خدای  
 یواسطه آن بروی کشاده شده آن ممر را دوست دارد **سوم**  
 آنکه هر چه ویرا از طریق محبت خدای تعالی دور میکردند آنرا  
 دشمن دارد **چهارم** آنکه هر چه فرمانهای محبوب بود آنرا  
 بجان قبول کند و بجای آورد **پنجم** آنکه هر چه مخالفه محبوب  
 بر آنرا مخالفه نماید و ملتفت آن نشود بلکه از آن اجتناب نکند  
**ششم** آنکه دوستان خدای تعالی دوست دارد مثل انبیا و اولاد  
 و اولیا و علما و شهدا و عرفا و صلحا **هفتم** آنکه دشمنان خدای  
 دشمن دارد مثل ابلهین و متابعان او چون کفر و بت پرستی  
 و جهودان و ترسایان و ظالمان و متکبران و فاسقان و مثل ایشان  
 که در مشکوّه قریب سی حدیث صحیح در بیان این دوستی و دشمنی  
 آورده اند **هشتم** خلوه و عزلت البته دوست دارد تا لحظه  
 بلحظه نفعات و جذبات روحانی بر دل او تجلی کند **نهم** آنکه جنین

این دوله روحانی ویرا دست دهد و بر جمله اشیا مگاشفت شود  
 نماید و در طلب زیاده باشد و بر آن خوشند نشود **دهم** آنکه چون  
 بتمام کمال ولایت برسد خود را از همه چیزی و از همه کسی بترداند  
 که این کمینه از شیخنا و مولانا استاد البشر رحمه الله علیه چنین استماع  
 افتاد که آنکس که این دایره زمین بوجود او قائم است که عیان از کس  
 قطب است خود را از پوست پیاژ مگر می شناسد **یازدهم**  
 تا نیاید در در این کانه بیدید • قصه این در نتوانی شنید  
 که تو خواهی تا شوی مردای پیر • هیچ روان نیست جز در دای پیر  
 چون ترا می بینم از آنادگان • کی شناسی در کار افتادگان  
 دره این در دگر بر خیزد • دل بصد در دگر بر خیزد  
 ز نهار ای برادر عزیز که در این کلمات فکری بلیغ بگویی و از آن حکایت  
 شهری و شهری ندانی و در هر کله از این آیه می بینی که مرشدان عالم  
 برین جهان بسیار کرده اند تا این راه را بر ما روشن کرده اند  
 که در شوی ترا به • و دانه نشنوی خود را **او دهم**  
 که حسن نصیری رحمه الله علیه در طفلی در خانه ام سلمه می بود

این دوله